



مراحل چهارگانه قساوت قلب/ کلید قلبها به دست خدای سبحان است

آیت الله جوادی آملی کثرت گناه را موجب قساوت قلب خواند و با بیان اینکه قلبی که معجزه بیّنه را ببیند و بعد از او اعراض کند، گرفتار قساوت می شود، به تشریح مراحل چهارگانه قساوت قلب پرداخت.

آیت الله جوادی آملی کثرت گناه را موجب قساوت قلب خواند و با بیان اینکه قلبی که معجزه بیّنه را ببیند و بعد از او اعراض کند، گرفتار قساوت می شود، به تشریح مراحل چهارگانه قساوت قلب پرداخت.
ریشه لغوی قساوت

قساوت در زبان عربی از ریشه ««قسى» و ««قسوه» است که در لغت به معنی خشونت و نفوذ ناپذیری است؛ لذا به سنگهای خشن و سخت، ««قسى» می گویند و در اصطلاح قرآنی به قلبهایی که در برابر حق، تواضع، خشوع و انعطافی نداشته باشد

و نور هدایت در آن نفوذ نمی کند، ««قاسیه» می گویند و در فارسی از آن به ««سنگدلی» تعبیر شده که در مقابل ««نرم دلی» قرار گرفته است.

کلمه ««قساوت» در قرآن، هفت مرتبه به کار رفته است و بر اساس آیات قرآن چهل و غفلت، رویگردانی از یاد خدا، گناه، دلمردگی، از روی لجابت چشم فروبستن بر نشانه های الهی از جمله عوامل قساوت قلب شمرده شده است.

کاهش روزی از آثار قساوت قلب

بر اساس آیه 124 سوره طه کاهش روزی از آثار قساوت قلب است ««وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» یعنی : ««و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسوس می کنیم».

بر اساس این آیه، کسانی که رابطه خود را با خدا قطع کرده اند، به جز دنیا، چیزی ندارند که بتواند مایه امید آنها باشد، و با تمام تلاشی که در امر توسعه زندگی دنیوی خود انجام می دهند، به اندوخته های خود قانع نگشته و راضی نمی شوند؛ لذا با ولع بیشتری برای رسیدن به چیزی که آنها را به آرامش برساند، تلاش می کنند، ولی هرگز پایانی برای آن متصور نیست؛ پس چنین افرادی دائماً در فقر و تنگی بسر می برند و با وجود اموال زیاد، روزی بسیار اندکی دارند.

خداوند در قرآن در بیانهای مختلف به ریشه قساوت قلب انسان اشاره فرموده است از جمله در آیات 67 تا 74 سوره بقره؛ ««ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً...» قساوت در آیه شریفه، اشاره به لجافتهای قوم بنی اسرائیل در جریان ذبح گاوی بود که خدای متعال جهت روشن شدن حقیقت امر در قتل شخصی از بنی اسرائیل، دستور داده بود. خداوند با برشمردن روی گردانی متعدد قوم بنی اسرائیل از ایمان به خدا پس از دین معجزات الهی، این رفتار آنها را از ریشه های قساوت قلب بیان فرموده است که در این نوشتار با توجه به تفسیر آیت الله جوادی آملی بدان اشاره خواهد شد.

قساوت قلب، سرانجام حس گرایان

آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیه 74 سوره بقره که خداوند خطاب به بنی اسرائیل می فرماید: "ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ" تأکید می کند:.. بنی اسرائیل در اثر أصالة الحس اندیشی هر معجزه ای از معجزات الهی را که می دیدند مادامی که آن معجزه در حس اینها حضور داشت آرام بودند همین که از حس اینها غیبت می کرد و باید جای استنباط عقل باشد این قدرت را نداشتند که استنباط عقلی کنند لذا همان آن، به کفر و نفاق درونی گرایش پیدا می کردند، لذا خدای سبحان فرمود: با مشاهده این همه آیات بیّنه بعد قلب شما قسّی شد، ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ

وی با اشاره به کلام پایانی این آیه افزود: در پایان همین آیه ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ می فرماید: وما الله بغافل عما تعملون؛ خدا غافل نیست، یعنی کار شما روی غفلت است. خب چطور قساوت قلب، شما را گرفت؟ برای اینکه قلبی که معجزه بیّنه را ببیند و بعد از او اعراض کند، گرفتار قساوت می شود...

مراحل سیر نزولی انسان تبهکار

آیت الله جوادی آملی در تفسیر ادامه آیه، به سنگ شدن قلب قسی اشاره کرده و می گوید: ... تمام تلاش‌ها و کوشش‌های خدای سبحان برای آن است که آن نیروی ادراکی را تقویت کند و اگر کسی نیروی ادراکیش را تقویت کرد که با فرشتگان محشور می شود و اگر تضعیف کرد اوایل در حد حیوانات است، بعد در اواسط امر، از حیوانات پست‌تر است، در اواخر امر در حد سنگ است و در آن نهایت امر از سنگ سخت‌تر.

این مراحل چهارگانه را قرآن بیان کرده، گاهی می فرماید: کالأنعام است یا كأنه حمر مستنفره است و گاهی می فرماید بل هم أضلّ گاهی می فرماید فهی کالحجارة گاهی می فرماید أو أشدّ قسوة. این مراحل چهارگانه نزول برای آن است که انسان اگر نخواهد آن عقل را تقویت کند دائماً در تنزل است تا به جایی که از سنگ هم سخت تر می شود.

دل‌های سخت‌تر از سنگ

... اینکه فرمود: فهی کالحجارة أو أشدّ قسوة این را مستدل می کند، چطور بعضی از دل‌ها مثل سنگ‌اند، بعضی از دل‌ها از سنگ سخت ترند. برای اینکه ثابت کند بعضی از دل‌ها از سنگ سخت ترند، می فرماید که حجاره، بسیاری از اینها پر برکتند: و إنّ من الحجارة لما يتفجر منه الأنهار؛ بعضی از سنگ‌ها هستند که در دل کوه‌اند و نهر از آنها منفجر می شود، آب فراوانی از آنها می جوشد که نهر را تشکیل می دهد.

و إنّ منها لما یشقق فیخرج منه الماء؛ بعضی از حجاره هستند که در حد انفجار نیستند، در حد انشقاق‌اند، آب کمتری از آنها می جوشد، می شوند چشمه. آنها که ظرفیت بیشتری دارند در حد انفجارند، نهر از آنها می جوشد، آنها که جوشش کمتری دارند، در حد انشقاق‌اند چشمه از آنها می جوشد. و إنّ منها لما یشقق فیخرج منه الماء و إنّ منها لما یهبط من خشية الله؛ بعضی از سنگ‌ها هستند که از ترس خدای سبحان سقوط می کنند، از جایی به جای دیگر هبوط می کنند. و انسانی که نصیحت در او اثر نکند از سنگ هم سخت‌تر است.

اما اینکه فرمود: و إنّ من الحجارة لما یتفجر منه الأنهار این خب روشن است، فراوان دیدند، نهرهایی که از دل سنگ‌های کوه منفجر می بیرون می آید و اما آن سنگی که منشق میشود، آب از آن می جوشد آن را مشاهده کردند که إضرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ آن را هم دیدند که از سنگ آب می جوشد یا از سنگ‌های چشمه آبی هم مشاهده می کنند که در اثر انفجار، انشقاق، آب می جوشد. و اما آن سنگی که از خشیت خدا هبوط کند، آن را هم احیاناً در جریان فلما تجلی ربّه للجبل جعله دكًا وخرّ موسی صعقاً آن را هم مشاهده کردند که با تجلی حق، این سنگ سقوط کرده است.

قساوت شدید قلب بعد از مشاهده بیته الهی

آیت الله جوادی آملی در بخش دیگری از درس تفسیر خود در باب چگونگی قساوت قلب تأکید می کند: قبل از نازل شدن یک آیه، شقاوت درونی آشقا ظهور نکرده است وقتی آیات الهی که غذای روح است نازل شد عده ای این غذا را تناول کردند و فربه شدند، عده ای در برابر این غذا ایستادگی کردند عکس العمل نشان دادند درد آنها افزوده می شود. فرمود: لا یزید الظالمین إلا خساراً نه این که خدای سبحان درد بفرستد مرض و خسارت بفرستد، مثل اینکه شما در برابر یک عده واردین یک طبق گلابی اهدا می کنید شما کاری جز احسان ندارید اما آنکه به همراه خود مرض آورده است از تناول گلابی شما، دردش بیشتر می شود نه اینکه شما او را مریض کردید، او نتوانست عطیه شما را هضم کند و گرنه شما عطا فرستادید.

فرمود: ما عطا فرستادیم، ما رحمت فرستادیم یک عده ای در برابر این رحمت، دردشان افزوده می شود و لا یزید الظالمین إلا خساراً اگر بخواهند خسارت نبینند به این قرآن عمل کنند، نه اینکه ما کسی را خاسر کردیم و خسارت فرستادیم و مانند آن، در برابر این آیه بیته بنی اسرائیل خسارت دیدند...

چگونگی قساوت و انشراح قلب آدمی

این مفسر قرآن تأکید می کند: ... اینکه خدای سبحان فرمود: قلب شما قسی شد لذا سخن در آن اثر نمی کند. منشاء قساوت قلب را هم گناه می داند که گناه، دل را قسی می کند گاهی دل بسته می شود و تنها چیزی که دل را می بندد و قفل می کند، نه می گذارد آن جوشش درونی دهن باز کند بیرون بیاید، نه آن کوشش بیرونی به درون راه پیدا کند، همان گناه است.

اگر در دل قفل شد نه از درون آب می جوشد، نه از بیرون اثری در درون راه پیدا می کند. اگر به وسیله یک سلسله مواد رسوبی تمام این لایه‌های سنگ بسته شد دیگر نه جا برای نفوذ آب است از درون، نه برای نفوذ آب از بیرون اثری است. خدای سبحان می فرماید: دل‌های بعضی‌ها قفل شد وقتی دل قفل شد نه از درون برکت می جوشد نه از بیرون خیرات نفوذ می کند.

آیت الله جوادی آملی در بخشی دیگر از تفسیر آیه 74 بقره، به آیه 24 سوره محمد اشاره کرده و می‌گوید: آیه ۲۴ این است أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ؛ اینها چرا در قرآن تذکر نمی‌کنند؟ سرّ اینکه در قرآن تذکر نمی‌کنند این است که دل‌های اینها قفل شده است... دل‌های بعضی‌ها مختوم است، مهر شده است. خب ختم و مهر کردن بعد از پایان نامه است، اگر یک نامه‌ای به پایان رسید و جایی برای نوشتن جدید نیست. آنگاه امضاء می‌کنند. دل اگر با گناه پر شد و تمام صفحه نورانی دل را گناه سیاه کرد تا به پایان صفحه رسید جایی برای یک سطر، ولو توبه باشد نمانده است آنگاه آن صفحه دل را مهر می‌کنند...

وی در ادامه تصریح می‌کند: اگر بعضی از دل‌ها مقداری گناه کردند ولی راه توبه را باز گذاشتند معلوم می‌شود صفحه دل تا پایانش سیاه نشده و هنوز چند سطر سفید هست، اینجا جای ختم و مهر نیست، این دل باز است راه توبه باز است. ولی اگر به پایان برسد جای امضاء کردن و مهر کردن است. اگر دل مهر شد دیگر نه چیزی می‌توان بر آن افزود نه چیزی می‌توان از آن کم کرد. اینها کسانی هستند که خودشان به پیامبرشان می‌گویند سَوَاءٌ عَلَيْنَا أُوْعِظَتْ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ خدای سبحان هم درباره اینها می‌فرماید: سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ اینها مختوم القلبند.

آیت الله جوادی آملی با اشاره به اینکه ترک گناه تنها راه تهذیب نفس، است، تأکید می‌کند: ... این گناه است که در دل را می‌بندد و گرنه آن خدای سبحان که مقلب القلوب است، دائم الفیض علی البریة است. گناه، دل را می‌بندد نه انسان می‌تواند از آن اوصاف بد گذشته نجات پیدا کند نه می‌تواند یک فیض جدیدی را کسب کند پس گناه است که دل را می‌بندد.

کلید قلبها به دست خدای سبحان

وی در ادامه یادآور می‌شود: ... گرچه گناه را انسان می‌کند اما مقلب القلوب خداست، کلید دل به دست خداست. اگر کسی گناه کرد او دل را یا ختم می‌کند یا قفل می‌کند... پس اینچنین نیست که انسان بخواهد قلب خود را سخت کند و بشود مقلب القلب. مقلب القلوب دیگری است. انسان اگر گناه کرد، کسی که کلید به دست اوست در دل را قفل می‌کند. چه اینکه اگر اطاعت کرد کسی که کلیددار دل است در دل را باز می‌کند به نام شرح صدر این شرح صدر یعنی گسترش دادن دل، خب این دل را باز می‌کند از حالت جامد بودن منشور می‌کند، در می‌آورد از قبض به بسط می‌آورد، او قابض است، او باسط است...

آیت الله جوادی آملی در بخشی دیگر از تفسیر آیه 74 سوره بقره تأکید می‌کند: ... معنای اینکه فرمود: ما قلب اینها را قسی کردیم این نیست که ما واقعاً به قلب اینها قساوت دادیم، بلکه معنایش آن است که ما به اینها طهارت ندادیم ما به اینها توفیق ندادیم، ما اینها را به حال خودشان رها کردیم کسی را که خدا به حالش رها کند او گرفتار قساوت قلب می‌شود.